

۱ به نام خداوند هستی بخش مهربان.

۱ الف، لام، میم.

۲ آن کتاب [بلند مرتبه] هیچ تردیدی در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.

۳ آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند.

۴ و آنان که به آنچه به تو نازل گردیده و آنچه پیش از تو نازل شده، ایمان می‌آورند و اینانند که به آخرت یقین دارند.

۵ آنان بر هدایتی از پروردگار خویشند و هم ایشان رستگارانند.

۶ به راستی آنان که کفر ورزیدند تفاوتشان نکند چه اندازشان کنی یا اندازشان نکنی ایمان نمی‌آورند.

۷ خدا بر دل‌ها و شنوایی‌شان مهر نهاده و بر چشمانشان پرده‌ای است و آنها را عذابی بزرگ است.

۸ و از مردم کسانی هستند که می‌گویند: ما به خدا و روز واپسین ایمان آورده‌ایم. ولی آنان مؤمن نیستند.

۹ خدا و مؤمنان را فریب می‌دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند، ولی نمی‌فهمند.

۱۰ در دل‌هایشان بیماری است، پس خدا ایشان را بیماری افزود، و آنان را به سزای این که دروغ می‌گفتند عذابی دردناک است.

۱۱ و چون به آنان گفته شود: در زمین فساد نکنید، گویند: جز این نیست که ما اصلاح‌گرانیم.

۱۲ به هوش باش که همین‌ها تبه‌کارانند ولی نمی‌فهمند.

۱۳ و چون به آنها گفته شود: شما نیز مانند [سایر] مردم ایمان بیاورید، گویند: آیا ما هم مانند کم‌خردان ایمان بیاوریم؟ بدان که آنان خود کم‌خردانند اما نمی‌دانند.

۱۴ و چون با مؤمنان رو به رو شوند گویند: ایمان آورده‌ایم، و چون با یاران شیطانی خود تنها شوند، گویند: ما بی‌تردید با شما هستیم، جز این نیست که ما [آنها را] به مسخره گرفته‌ایم.

۱۵ خداست که آنها را به مسخره می‌گیرد و فرصت می‌دهد تا در طغیانشان سرگردان بمانند.

۱۶ آن‌ها کسانی هستند که گمراهی را به بهای هدایت خریدند پس تجارتشان سود نکرد و هدایت‌پذیر نبودند.

۱۷ مثل آنان مثل کسی است که [به زحمت] آتشی بیفروخت و همین که اطراف وی را روشن ساخت، خدا نورشان را برد و در تاریکی‌ها رهایشان کرد که نبینند.

۱۸ کرانند و گنگانند و کورانند، پس [از گمراهی] باز نمی‌گردند:

۱۹ یا مانند مثل رگبار تندی از آسمان است که در آن تاریکی‌ها و رعد و برق است که از [غرش] صاعقه‌ها و بیم مرگ، انگشتان خویش در گوش‌هایشان کنند، و خدا بر کافران احاطه دارد.

۲۰ نزدیک است برق چشمانشان را بزند، هر بار که برای آنان روشن کند، در آن راه روند و چون بر آنها تاریک نماید باز ایستند، و اگر خدا می‌خواست، شنوایی و چشمانشان را [یکجا] می‌گرفت. بی‌گمان، خدا بر هر چیزی تواناست.

۲۱ ای مردم! پروردگارتان را که شما و کسان قبل از شما را آفرید بپرستید، باشد که پرهیزگار شوید.

۲۲ خدایی که برای شما زمین را بستری هموار و آسمان را سرپناهی قرار داد و از آسمان آبی نازل کرد که بدان از میوه‌ها رزقی برای شما برآورد. پس برای خدا همتایان قرار ندهید در حالی که خود می‌دانید.

۲۳ و اگر در آنچه بر بنده‌ی خویش نازل کرده‌ایم شک دارید، سوره‌ای مانند آن بیاورید و شاهدان خود را غیر از خدا فراخوانید اگر راست می‌گویید.

۲۴ پس اگر نکردید و هرگز نخواهید کرد، از آتشی که همیشه آن مردمان و سنگ‌هاست بر حذر باشید که برای کفار مهیا شده است.

۲۵ و به کسانی که که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند نوید ده که برایشان باغ‌هایی است که از پای درختانش نهرها جاری است، هر بار که میوه‌ای از آن روزیشان گردد، گویند: این همان است که قبلاً روزیمان شده و برای آنان همانند آن آورده شود و آن جا آنها را همسران پاکیزه‌ای است و در آن جاودانند.

۲۶ به راستی خدا ابایی ندارد از این که به پشه‌ای یا فوق آن مثل زند، اما آنان که ایمان آوردند می‌دانند که آن [مثل] حق بوده و از جانب پروردگارشان است ولی کافران [به قصد تحقیر] گویند: خدا از این مثل چه خواسته است؟ [آری] بسیاری را با آن گمراه و بسیاری را هدایت می‌کند، ولی جز فاسقان را بدان گمراه نمی‌کند.

۲۷ همانان که پیمان خدا را پس از تأکیدش می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن امر کرده می‌گسلند و در زمین فتنه به پا می‌کنند. همین‌ها زیانکارانند.

۲۸ چگونه منکر خدا می‌شوید با آن که بی‌جان بودید پس شما را جان بخشید، و دیگر بار شما را می‌میراند و باز جانتان می‌دهد و آن گاه به سوی او بازگردانده می‌شوید.

۲۹ اوست کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید، سپس به آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت آسمان تنظیم کرد و او به هر چیزی داناست.

۳۰ و آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت. گفتند: آیا در آن مخلوقی قرار می‌دهی که تباهی کند و خونها بریزد، حال آنکه ما تو را به پاکی میستاییم و تقدیست میکنیم؟ گفت: من آن میدانم که شما نمی‌دانید.

۳۱ و همه نام‌ها را به آدم آموخت، سپس آنها را بر فرشتگان عرضه داشت و گفت: اگر راست می‌گویید مرا از نام‌های اینان خبر دهید.

۳۲ گفتند: پاکی تو راست، ما را دانشی جز آنچه به ما آموخته‌ای نیست، حقا دانای حکیم تنها تویی.

۳۳ گفت: ای آدم! آنان (فرشتگان) را از نام‌های آنها آگاه ساز. پس همین که از نام آنها آگاهشان نمود، فرمود: آیا به شما نگفتم که من نهنان آسمان‌ها و زمین را می‌دانم، و می‌دانم آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید؟

۳۴ و آن گاه که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، پس همه سجده کردند، جز ابلیس که ابا کرد و برتری جست و از کافران گردید.

۳۵ و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این باغ منزل کنید و به فراوانی از هر جا [و هر چه] می‌خواهید بخورید ولی نزدیک این درخت نشوید که از ظالمان خواهید شد.

۳۶ پس شیطان آن دو را در باره‌ی آن [درخت] منحرف نمود و از آنچه در آن بودند بیرونشان کرد، و گفتیم: پایین روید، شما دشمن یکدیگرید و تا مدتی در زمین قرارگاه و معیشتی خواهید داشت.

۳۷ پس آدم از پروردگار خویش سخنانی دریافت کرد [و توبه نمود] پس خدا توبه‌اش را پذیرفت، حقا که او توبه‌پذیر مهربان است.

۳۸ گفتیم: همه از آن پایین روید، پس اگر از جانب من هدایتی برایتان آمد، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین شوند.

۳۹ و آنان که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها اهل آتشند و در آن ماندگار.

۴۰ ای بنی اسرائیل! نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتیم به یاد آرید و پیمان مرا وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم، و تنها از من بیم دارید.

۴۱ و به آنچه نازل کردم [قرآن] بگروید که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، و نخستین منکر آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیز مفروشید و تنها از من بترسید.

۴۲ و حق را به باطل نیامیزید و حقیقت را پنهان نکنید در حالی که می‌دانید.

۴۳ و نماز به پا دارید و زکات بدهید و با راکعان رکوع کنید.

۴۴ آیا مردم را به خیر و نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با این که شما کتاب آسمانی را تلاوت می‌کنید؟ پس چرا نمی‌اندیشید؟

۴۵ و از صبر و نماز یاری بگیرید و البته آن جز بر خاشعان بسی گران است.

۴۶ آنهايي که مي‌دانند حتماً به لقاي پروردگارشان مي‌رسند و به سوي او باز مي‌گردند.

۴۷ اي بنی اسرائیل! نعمتم را که بر شما ارزاني داشتم و شما را بر جهانيان (مردم زمانه) برتري دادم به ياد آريد.

۴۸ و بترسيد از روزي که کسي از ديگري چيزي دفع نکند و از کسي شفاعتي نپذيرند و از او فديه و غرامت نگیرند و نه ايشان ياري شوند.

۴۹ و [ياد کنيد] آن گاه که شما را از فرعونيان نجات داديم، که شما را به سختي آزار مي‌دادند، پسرانتان را سر مي‌بريدند و زنانتان را زنده مي‌گذاشتند و در آن [مصايب] آزموني بزرگ از سوي پروردگارتان بود.

۵۰ و [ياد کنيد] آن گاه که دريا را براي‌تان بشکافتيم و شما را نجات داديم و فرعونيان را غرق نموديم و شما نظاره مي‌کرديد.

۵۱ و [ياد کنيد] آن گاه که با موسي چهل شب وعده گذاشتيم، آن گاه شما در غياب وي گوساله را به پرستش گرفتيد و شما [واقعا] ستمکاريد.

۵۲ پس از آن بر شما بخشوديم تا مگر سپاسگزاري کنيد.

۵۳ و آن گاه که به موسي کتاب و فرقان داديم به اين اميد که هدايت يابيد.

۵۴ و آن گاه که موسي به قوم خود گفت: اي قوم من! شما با گوساله پرستي به خود ستم کرديد، اينک به سوي آفريدگار خود بازگرديد و [توبه نماييد و خطاکاران] خود را [به کيفر ارتداد] بکشيد که اين کار نزد آفريدگارتان براي شما بهتر است، پس بر شما بخشود که او توبه‌پذير مهربان است.

۵۵ و چون گفتيد: اي موسي! هرگز براي تو ايمان نياوريم مگر اين که خدا را آشکارا ببينيم. پس صاعقه شما را در حالي که نگاه مي‌کرديد بگرفت [و مرديد].

۵۶ سپس شما را پس از مرگتان برانگيختيم، باشد که شکرگزاري کنيد.

۵۷ و ابر را سايبان شما کرديم و منّ و سلوي بر شما نازل کرديم [و گفتيم]: از پاکيزه‌هاي آنچه روزيتان کرده‌ايم بخوريد، و [با اين کارها] بر ما ستم نکردند، بلکه بر خويشتن ستم مي‌کردند.

۵۸ و آن زمان که گفتيم: به اين شهر [بيت المقدس] درآييد و از [نعمت‌هاي] آن هر جا خواستيد فراوان بخوريد و از اين دروازه خاضعانه وارد شويد و بگوييد: خدايا! گناهان ما را فرو ريز. تا خطاهای شما را ببخشاييم، و [البته پاداش] نيکوکاران را خواهيم افزود.

۵۹ پس ستمکاران سخن را به غير از صورتی که دستور داشتند تغيير دادند. پس بر آنان که ستم کردند، به سزای نافرمانی‌شان بلایي از آسمان نازل کرديم.

۶۰ و هنگامی که موسی برای قومش آب خواست به او گفتیم: با عصایت به این سنگ بزن. آن گاه دوازده چشمه از آن جوشید [به گونه‌ای که] هر قبیله‌ای آبگیر خود را می‌شناخت. [گفتیم:] از رزق خدا بخورید و بنوشید و در زمین سر به فساد بر مدارید.

۶۱ و آن گاه که گفتید: ای موسی! ما دیگر بر یک خوراک صبر نکنیم، پروردگار خویش را بخوان تا از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما برآورد. گفت: آیا پست‌تر را جانشین بهتر می‌کنید؟ [اگر چنین می‌خواهید] به شهری درآید تا این چیزها که خواستید بیابید. و خواری و مسکنت بر آنان مقرر شد و به خشم خدا گرفتار آمدند. این بدان سبب بود که آیات الهی را انکار می‌کردند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند این از آن روی بود که آنها مردمی نافرمان بودند و پیوسته تجاوز می‌کردند.

۶۲ محققا کسانی که [صوری] ایمان آوردند و آنها که یهودی شدند و مسیحیان و صابئیان، هر کدام [از روی حقیقت] به خدا و روز قیامت ایمان آورد و عمل صالح کند، پاداش آنها نزد پروردگارشان [محموظ] است و نه خوفی بر آنهاست و نه غمگین شوند.

۶۳ و [یاد کنید] وقتی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را [به نشانه قدرت] بالای سرتان بلند کردیم و [گفتیم:] کتابی را که به شما داده‌ایم، محکم بگیرید و محتوای آن را به خاطر بسپارید، باشد که پرهیزکار شوید.

۶۴ سپس شما بعد از آن [عهد و میثاق] رو برتافتید، و اگر فضل و رحمت خدا در حق شما نبود، قطعاً از زیانکاران می‌شدید.

۶۵ شما به خوبی کسانی از خودتان را که در روز شنبه [از حکم خدا] تجاوز کردند شناختید که به آنها گفتیم: بوزینگانی خوار و مطرود باشید.

۶۶ و این [عقوبت] را مایه عبرت حاضران و آیندگان و اندرزی برای پارسایان قرار دادیم.

۶۷ و آن وقت که موسی به قوم خود گفت: خدا به شما فرمان می‌دهد که گاوی را سر ببرید. گفتند: آیا ما را به ریشخند می‌گیری؟ گفت: پناه می‌برم به خدا که از جاهلان باشم.

۶۸ گفتند: برای ما پروردگارت را بخوان تا معلوم کند که آن چگونه گاوی است؟ گفت: او می‌فرماید آن گاوی است نه پیر و نه جوان، بلکه میانسالی است بین این دو، پس آنچه دستور یافته‌اید انجام دهید.

۶۹ [بار دیگر] گفتند: از خدایت بخواه برای ما روشن سازد که رنگ آن چیست؟ گفت: او می‌فرماید که آن گاوی است زرد یکدست که بینندگان را سرور می‌بخشد.

۷۰ گفتند: از خدایت بخواه تا برای ما روشن کند که آن چگونه گاوی است؟ زیرا آن گاو [هنوز] بر ما مشتبه است و اگر خدا بخواهد ما قطعاً بدان راه خواهیم یافت.

۷۱ گفت: او می‌فرماید آن گاوی است که رام نیست تا زمین را شخم زند و به کشت آب دهد، گاوی تندرست است، هیچ لکه‌ای در آن نیست. گفتند: اینک حق را ادا کردی. پس همان را سر بریدند، هرچند نزدیک بود این کار را نکنند.

۷۲ و [یاد کنید] آن گاه که شخصی را کشتید، پس یکدیگر را در آن [قتل] متهم کردید و خدا افشا کننده چیزی است که آن را کتمان می کردید.

۷۳ پس گفتیم: پاره‌ای از گاو را به مقتول زنید [تا زنده گردد]. آری خداوند مردگان را این گونه زنده می کند و [بدین سان] نشانه‌های قدرت خود را به شما نشان می دهد، باشد که ببیندیشید.

۷۴ از پس آن [همه معجزات] دل‌های شما سخت شد، به سختی سنگ‌ها یا سخت‌تر از آن، در حالی که از پاره‌ای سنگ‌ها جوی‌ها می جوشد و پاره‌ای از آنها می شکافد و آب از آن خارج می شود و برخی از آنها از هیبت خدا فرو می ریزد، و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست.

۷۵ پس آیا انتظار دارید [چنین مردمی] به [دین] شما ایمان آورند، با آن که گروهی از آنان سخن خدا را می شنیدند و بعد از درک آن، تحریفش می کردند در حالی که خود می دانستند؟

۷۶ و چون با مؤمنان روبه رو شوند گویند: ایمان آورده‌ایم، و چون با یکدیگر خلوت کنند گویند: چرا با مسلمانان از آنچه خدا برای شما [از اوصاف محمد صلی الله علیه و آله] آشکار نموده، گفت و گو می کنید تا با آن نزد پروردگارتان با شما احتجاج کنند؟ آیا نمی اندیشید؟!

۷۷ آیا نمی دانند که خدا آنچه را نهان می کنند یا آشکار می سازند می داند؟

۷۸ و گروهی از آنان افراد عامی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت اوهام و آرزوها چیزی نمی دانند، و اینان پای بند پندارند و بس.

۷۹ پس وای بر آنها که کتاب را با دست‌های خود می نویسند و سپس می گویند: این از جانب خداست، تا آن را به بهای ناچیزی بفروشند. وای بر آنها از دست نوشته‌هایشان و وای بر آنها از آنچه کسب می کنند.

۸۰ و گفتند: هرگز آتش جز چند روزی ما را نخواهد رسید. بگو: مگر پیمانی از خدا گرفته‌اید که خدا خلاف عهد خویش نکند؟ یا بر خدا سخنانی می بندید که نمی دانید؟

۸۱ آری، هر کس کار بدی کند و گناه سراسر وجودش را فراگیرد، چنین کسانی دوزخی اند و هم ایشان در آن ماندگارند.

۸۲ و آنان که ایمان آوردند و عمل صالح کردند، اهل بهشتند و ایشان در آن جاودانند.

۸۳ و [یاد کن] آن گاه که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و با مردم، نیکو سخن گویند و نماز به پا دارید و زکات بدهید، آن گاه جز تعدادی اندک از شما با حالت اعراض به آن پشت کردید.

۸۴ و چون از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را مریزید و یکدیگر را از خانه و دیار خویش بیرون نکنید، سپس شما [به این پیمان] اقرار کردید و شما گواهید.

۸۵ سپس همین شما یکدیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از دیارشان آواره می سازید و بر ضد آنها به گناه و دشمنی همدست می شوید، و اگر به اسیری نزدیکان آیند، با دادن فدیة آزادشان می کنید، در صورتی که بیرون کردنشان [از ابتدا] بر شما حرام بوده است. آیا به بخشی از تورات [که آزاد کردن اسیران است] ایمان می آورید و بخشی را [که تحریم کشتار و اخراج است] انکار می کنید؟ پس سزای کسی از شما که چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا نیست و روز قیامت به سخت ترین عذاب بازگردانده می شوند، و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.

۸۶ همین کسانی که زندگی دنیا را به بهای آخرت خریدند، پس نه عذابشان تخفیف داده شود و نه یاری شوند.

۸۷ و البته به موسی کتاب دادیم و پیامبرانی را از پی او فرستادیم و به عیسی بن مریم حجت های روشن عطا کردیم و او را با روح القدس تأیید نمودیم. پس آیا هر بار پیامبری چیزی برایتان آورد که دلخواه شما نبود تکبر ورزیدید پس گروهی را تکذیب کردید و گروهی را می کشتید؟

۸۸ و گفتند: دل های ما در نیام است. [این طور نیست] بلکه خدا به سبب کفرشان لعن [او طرد] شان کرده، پس خیلی کم ایمان می آورند.

۸۹ و هنگامی که از جانب خدا کتابی برایشان آمد که آنچه را با خود داشتند تأیید می کرد، و از پیش [با آن] بر کفار پیروزی می جستند، ولی همین که آنچه را می شناختند برایشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت خدا بر کافران.

۹۰ چه بد معامله ای است که خود را به بهای کافر شدن به آیات الهی فروختند، از روی حسد به این که خدا از فضل خویش به هر کس از بندگان که بخواهد [وحی] نازل می کند. از این رو به خشمی بر خشم دیگر گرفتار آمدند، و برای کافران عذابی خفت بار است.

۹۱ و چون به آنها گفته شود: بدانچه خدا نازل کرده ایمان آورید، گویند: ما به آنچه بر خودمان نازل شده ایمان داریم، و غیر آن را منکر می شوند در حالی که حق همان است و آنچه را که نزدشان است تصدیق می کند. بگو: اگر [به تورات] ایمان دارید، پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می کشتید؟

۹۲ و محققا موسی حجت های روشن را برای شما آورد، ولی شما در غیاب او گوساله را [معبود] گرفتید و شما ستمکارید.

۹۳ و آن گاه که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را [به علامت جدیت موضوع] بالای سرتان بلند کردیم [و گفتیم]: آنچه به شما داده ایم محکم بگیرید و گوش فرا دهید. گفتند: شنیدیم و [به دل گفتند] نافرمانی کردیم! آری، در اثر کفرشان دل به گوساله باختند. بگو: اگر دعوی ایمان دارید، چه بد است آنچه ایمانتان شما را به آن امر میکند.

۹۴ بگو: اگر سرای آخرت در پیشگاه خدا تنها به شما اختصاص دارد نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می گوید.

۹۵ ولی به خاطر اعمالی که از پیش فرستاده اند هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد، و خدا به [حال] ستمگران آگاه است.

۹۶ و مسلماً آنها را حریص‌ترین مردم به زندگی [دنیا] خواهی یافت و [حتی] حریص‌تر از کسانی که شرک ورزیدند. هر یک از آنها خوش دارد که کاش هزار سال عمر داده می‌شد ولی آن (عمر دراز هم) مانع عقوبت او نخواهد شد، و خدا به آنچه می‌کند بیناست.

۹۷ بگو: هر که دشمن جبرئیل باشد [در واقع دشمن خداست، چرا که] او قرآن را به امر خدا بر قلب تو نازل کرد که کتب آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.

۹۸ و هر که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد [کافر است و] بی‌تردید خدا دشمن کافران است.

۹۹ البته ما آیات روشنگری به سوی تو نازل کردیم و جز فاسقان منکر آن نمی‌شوند.

۱۰۰ آیا هر بار که [یهود] پیمانی بستند، گروهی از ایشان آن را دور افکندند؟ آری، بیشترشان ایمان نمی‌آورند.

۱۰۱ و زمانی که فرستاده‌ای از طرف خدا برای آنها آمد که تصدیق کننده‌ی چیزی است که با آنها بود، گروهی از همین کسانی که اهل کتاب بودند، کتاب خدا را پشت سر افکندند چنان که گویی [آن را] نمی‌دانند.

۱۰۲ و [یهود به جای تورات] از آنچه شیاطین در باره‌ی سلطنت سلیمان می‌خواندند، پیروی کردند، در صورتی که سلیمان [سحر نکرد] و کافر نشد ولی شیاطین کافر شدند که به مردم سحر و جادو می‌آموختند، و نیز از آنچه که بر دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل نازل شده بود پیروی کردند، در حالی که فرشتگان به احدی [ابطال سحر] نمی‌آموختند مگر این که به او می‌گفتند: ما وسیله امتحانیم، زنه‌ار که کافر شوی. پس آنان از فرشتگان مطالبی را می‌آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی افکندند و [هر چند] نمی‌توانستند به کسی زیان برسانند مگر به اذن خدا. و آنها چیزی را می‌آموختند که برایشان ضرر داشت و به آنها سودی نمی‌رساند، و به خوبی دریافته بودند که هر کس [به جای کتاب خدا] خریدار سحر و جادو باشد، در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت. و چه بد چیزی است آنچه خود را بدان فروختند اگر می‌دانستند.

۱۰۳ و اگر آنان ایمان می‌آوردند و پارسایی می‌کردند، قطعاً پاداشی که از جانب خدا می‌یافتند بهتر بود اگر می‌دانستند.

۱۰۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نگویید «راعنا» و بگویید «انظرنا»، و [این دستور را] گوش دهید و برای کافران عذابی دردناک است.

۱۰۵ کفار اهل کتاب و مشرکان خوش ندارند که از پروردگارتان خیری بر شما نازل شود، اما خدا هر که را خواهد، خاص رحمت خویش می‌کند که خداوند صاحب فضل و کرم بزرگ است.

۱۰۶ هر حکمی را نسخ یا متروک کنیم، بهتر از آن یا مانند آن را می‌آوریم. مگر نمی‌دانی که خدا بر هر کاری تواناست؟

۱۰۷ آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست و شما را جز خدا سرپرست و یاور نیست؟



۱۰۸ آیا می‌خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که پیش‌تر از موسی خواسته شد؟ هر که کفر را جانشین ایمان سازد بی شک راه راست را گم کرده است.

۱۰۹ بسیاری از اهل کتاب- با آن که حق بر ایشان روشن شده بود- به انگیزه‌ی حسدی که در نهادشان است آرزو داشتند شما را بعد از ایمانتان به کفر بازگردانند. پس [فعلاً] بگذرید و مدارا کنید تا خدا فرمان خویش را صادر کند که خدا بر همه چیز تواناست.

۱۱۰ و نماز به پا دارید و زکات دهید و هر خیری را که برای خود پیش فرستید، همان را نزد خدا خواهید یافت. آری خدا به آنچه می‌کنید بیناست.

۱۱۱ و گفتند: هیچ کس داخل بهشت نمی‌شود مگر آن که یهودی یا مسیحی باشد. اینها خیالبافی‌های آنهاست. بگو: اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید.

۱۱۲ آری، هر کس خود را [با تمام وجود] تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش [محفوظ] است و نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین شوند.

۱۱۳ و یهود گفتند: نصارا بر چیز [حقی] نیستند، و نصارا گفتند: یهود بر چیز [حقی] نیستند، با آن که همه آنها کتاب آسمانی را می‌خوانند. همچنین نادان‌ها نیز مانند سخن آنها گفتند [که مسلمین بر حق نیستند]. پس خدا روز قیامت میان آنها در باره‌ی اختلافشان داوری خواهد کرد.

۱۱۴ کیست ستمکارتر از آن که نگذارد نام خداوند در مساجد یاد شود و در ویرانی آن بکوشد. آنان را نشاید که وارد این مکان‌ها شوند جز با ترس و هراس. برای آنها در این دنیا ننگ و خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.

۱۱۵ و مشرق و مغرب از آن خداست، پس به هر سو رو کنید، همان جا وجه خداست. همانا خداوند وسعت بخش داناست.

۱۱۶ و گفتند: خدا فرزندی گرفته، [در حالی که] او منزّه است، بلکه هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست و همه فرمانبر اویند.

۱۱۷ پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین است و چون چیزی را اراده کند همین که بگوید: باش، میشود.

۱۱۸ و نادان‌ها گفتند: چرا خدا با ما [بی واسطه] سخن نمی‌گوید یا معجزه‌ای سوی ما نمی‌آید؟ گذشتگان آنها نیز چنین می‌گفتند، دل‌هایشان به هم می‌ماند. البته ما آیات را برای اهل یقین بیان کرده‌ایم.

۱۱۹ ما تو را به حق فرستادیم تا بشارت دهنده و ترساننده باشی و تو مسئول [گمراهی] دوزخیان نیستی.

۱۲۰ و یهود و نصارا هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر آن که از آیین آنها پیروی کنی. بگو: بی تردید هدایت واقعی همان هدایت خداست. و اگر پس از دانشی که تو را حاصل شده از امیال آنها پیروی کنی در برابر خدا هیچ سرپرست و یآوری نخواهی داشت.

۱۲۱ کسانی که کتابشان داده‌ایم، آن را چنان که باید می‌خوانند. همین‌ها به آن ایمان می‌آورند، و کسانی که بدان کافر شوند آنها واقعا زیانکارند.

۱۲۲ ای بنی اسرائیل! نعمتی را که بر شما ارزانی داشتیم و شما را بر جهانیان [مردم زمانه] برتری دادم یاد کنید.

۱۲۳ و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی را از دیگری دفع نکند و از او عوض نپذیرند و هیچ شفاعتی به کارش نیاید و نه ایشان یاری شوند.

۱۲۴ و هنگامی که خدا ابراهیم را با کلماتی بیازمود و او همه را به اتمام رسانید، گفت: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم. [ابراهیم] گفت: از خاندانم چطور؟ فرمود: عهد من به ستمکاران نمی‌رسد.

۱۲۵ و آن‌گاه که کعبه را محل اجتماع و جایگاه امن مردم قرار دادیم و [گفتیم]: مقام ابراهیم را محل نماز قرار دهید، و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه مرا برای کسانی که برای طواف و اعتکاف و نماز می‌آیند پاکیزه کنید.

۱۲۶ و آن‌گاه که ابراهیم عرضه داشت: پروردگارا! این مکان را شهر امنی قرار ده و مردمش را از نعمت‌های فراوان روزی بخش، مردمی که به خدا و روز واپسین ایمان آرند. فرمود: اما آن که کافر شود، اندکی برخوردارش می‌کنم، سپس او را به سوی عذاب آتش می‌کشانم و چه بد سرنوشتی است.

۱۲۷ و آن‌گاه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند [گفتند]: پروردگارا! از ما بپذیر، که تنها تو شنوا و دانایی.

۱۲۸ پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود گردان و از نسل ما امتی فرمانبردار خویش پدید آور، و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشای بی‌تردید تویی توبه پذیر مهربان.

۱۲۹ پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمتشان بیاموزد و آنها را تزکیه کند حقا که تنها تو عزیز و حکیمی.

۱۳۰ و چه کسی از آیین ابراهیم روی می‌گرداند جز کسی که سبک مغزی کند؟ در حالی که ما او را در دنیا برگزیدیم و او در آخرت مسلما از شایستگان است.

۱۳۱ آن‌گاه که پروردگارش به او گفت: سر به فرمان خدا نه. گفت: تسلیم پروردگار جهانیان شدم.

۱۳۲ و ابراهیم و یعقوب آیین توحید را به پسران خود سفارش نمودند [و گفتند]: ای پسران من! خدا این آیین پاک را برای شما برگزیده است، پس زنهار که بمیرید و مسلمان نباشید.

۱۳۳ آیا آن دم که مرگ یعقوب فرا رسید حاضر بودید؟ آن‌گاه که به فرزندان خود گفت: بعد از من، چه می‌پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را به عنوان معبود یکتا می‌پرستیم و ما فرمانبردار اویم.

۱۳۴ [به هر حال] آنها امتی بودند که گذشتند برای آنهاست آنچه کردند و برای شماست آنچه کردید، و شما را از آنچه آنها می کردند نپرسند.

۱۳۵ و گفتند: یهودی یا نصرانی شوید تا هدایت یابید. بگو: بلکه آیین ابراهیم را [پیروی می کنیم] که ملازم حق است و او از مشرکان نبود.

۱۳۶ بگوئید: ایمان آوردیم به خداوند و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگانش نازل شده و آنچه به موسی و عیسی داده شد و به آنچه پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شدند. ما میان هیچ یک از آنها فرق نگذاریم و سر به فرمان اویم.

۱۳۷ پس اگر آنان نیز به مانند آنچه شما ایمان آورده‌اید ایمان آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر روی برتافتند، جز این نیست که سر ناسازگاری دارند و خداوند، تو را از شر آنان مصون می‌دارد که او شنوای داناست.

۱۳۸ رنگ الهی [توحیدی را بگیرد] و چه رنگی از رنگ الهی خوش تر است؟ و ما پرستندگان اویم.

۱۳۹ بگو: آیا با ما در باره‌ی خدای یکتا مجادله می‌کنید؟ در حالی که او پروردگار ما و شماست و برای ماست اعمال ما و برای شماست اعمال شما و ما او را خالصانه می‌پرستیم.

۱۴۰ یا [هنوز] می‌گویید ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند؟ بگو: آیا شما بهتر می‌دانید یا خدا؟ و راستی چه کسی ظالم‌تر از آن کس است که شهادتی را که از خدا [در باره‌ی این پیامبران] نزد اوست کتمان کند؟ و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست.

۱۴۱ [به هر حال] آنها امتی بودند که گذشتند برای آنهاست آنچه کردند و برای شماست آنچه کردید، و شما را از آنچه آنها می کردند نپرسند.

۱۴۲ به زودی بی‌خردان از مردم خواهند گفت: چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آن بودند برگرداند؟ بگو: مشرق و مغرب از آن خداست، هر که را خواهد به راه راست هدایت می‌کند.

۱۴۳ و بدین‌سان شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم [جهان] گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. و ما قبله‌ای را که بر آن بودی (بیت المقدس) قرار ندادیم مگر برای آن که کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند از کسی که به عقب برمی‌گردد باز شناسیم، و البته این امر جز بر کسانی که خدا هدایتشان کرده است گران بود، و خدا بر آن نیست که ایمان شما را ضایع کند، [زیرا] خداوند نسبت به مردم رؤف و مهربان است.

۱۴۴ ما گردش [جستجوگرانه] رویت را به آسمان [برای تغییر قبله] می‌بینیم، پس قطعاً تو را به جانب قبله‌ای که بدان خشنود شوی برمی‌گردانیم. پس [حالا] روی خود را جانب مسجد الحرام بگردان و شما [مسلمین] نیز هر جا هستی روی خود بدان سو کنید. و البته اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این حکم درستی از جانب پروردگارشان است و خدا از آنچه می‌کنند بی‌خبر نیست.

۱۴۵ و اگر هر گونه حجّت و دلیلی برای اهل کتاب بیاوری قبله تو را پیروی نخواهند کرد و تو نیز پیرو قبله آنها نیستی و هیچ یک از آنها هم پیرو قبله دیگری نیستند. و اگر پس از این آگاهی که برای تو حاصل شده از هوس‌های آنها پیروی کنی قطعاً از ستمگران خواهی بود.

۱۴۶ آنها که کتابشان داده‌ایم، او (پیامبر) را همان گونه می‌شناسند که پسران خود را، ولی گروهی از آنان با این که حق را می‌دانند آن را کتمان می‌کنند.

۱۴۷ [تغییر قبله] فرمان حقی از جانب پروردگار توست، پس مبادا که از تردید کنندگان باشی.

۱۴۸ و برای هر قومی جهت و قبله‌ای است که رو به سوی آن می‌کند بنا بر این [به جای مجادله در باره‌ی قبله] در اعمال خیر از هم سبقت گیرید. هر جا باشید خدا همه شما را [گرد] می‌آورد که او بر هر چیزی قادر است.

۱۴۹ و [هنگام نماز] از هر جا بیرون شدی، روی خود را جانب مسجد الحرام کن که قطعاً این [قبله] حق [او] به فرمان پروردگار توست، و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست.

۱۵۰ از هر جا بیرون شدی [برای نماز] روی خود جانب مسجد الحرام بگردان، و شما مردم نیز هر جا بودید روی خود را سوی آن کنید تا مردم را بر ضد شما دستاویزی نباشد، مگر کسانی از آنها که ظلم کردند [که در هر صورت خرده می‌گیرند]. پس از آنها نترسید و از من بترسید، و تا نعمت خود را بر شما کامل کنم و باشد که هدایت یابید.

۱۵۱ چنان که در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما تلاوت کند و [از زشتی‌ها] پاکتان سازد و کتاب و حکمتتان بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید تعلیمتان دهد.

۱۵۲ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، و برای من سپاسگزاری کنید و ناسپاسی ام نکنید.

۱۵۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از صبر و نماز کمک بگیرید که خداوند با صابران است.

۱۵۴ و به کشتگان راه خدا مرده نگویید، بلکه زنده‌اند ولی شما درک نمی‌کنید.

۱۵۵ و مسلماً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کاهش محصولات می‌آزماییم، و صابران را نوید ده

۱۵۶ آنها که هرگاه مصیبتی بدانها رسد [صبوری کنند] و گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم.

۱۵۷ آنانند که درودها و رحمتی از پروردگارشان بر آنهاست و [تنها] همین‌ها هدایت یافتگانند.

۱۵۸ همانا صفا و مروه از شعائر خداست. پس هر که حجّ خانه خدا کند یا عمره به جا آورد، مانعی ندارد میان آن دو طواف کند. و هر که با میل و رغبت کار نیکی به جای آورد، [بداند که] مسلماً خدا سپاسگزار داناست.

۱۵۹ کسانی که دلایل روشن‌گر و هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه آن را در کتاب آسمانی برای مردم روشن ساخته‌ایم، کتمان می‌کنند خدا آنها را لعنت می‌کند، و لعنت کنندگان نیز لعنتشان می‌کنند.

۱۶۰ مگر آنها که توبه کردند و اصلاح نمودند و [حقیقت را] آشکار کردند، آنانند که توبه‌شان را می‌پذیرم و من توبه پذیرم.  
مهربانم.

۱۶۱ آنها که کافر شدند و با کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنهاست.

۱۶۲ که در آن [لعنت] جاودانه اند، نه عذابشان کاسته شود و نه مهلت می‌یابند.

۱۶۳ و معبود شما معبودی یگانه است و جز او معبودی نیست که هستی بخش مهربان است.

۱۶۴ بی‌گمان در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی‌ها که برای کسب منافع مردم به دریا روانند و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاد پس زمین مرده را به آن زنده نمود و همه گونه جنبنده در آن منتشر ساخت و گردش بادها و ابرهای مهار شده‌ی میان آسمان و زمین، [در همه اینها] مسلماً نشانه‌هایی است برای قومی که بیندیشند.

۱۶۵ و برخی از مردم همتیانی غیر از خدا می‌گیرند و آنها را چون خدا دوست می‌دارند ولی آنها که ایمان آورده‌اند خدا را بیش از هر چیزی دوست دارند. و اگر ظالمان آن گاه که عذاب را ببینند، می‌دیدند که تمام قدرت یکسره به دست خداست و خدا سخت کیفر است، [از گناه خود پشیمان می‌شدند].

۱۶۶ آن گاه که پیشوایان از پیروان خود بیزار می‌جویند و عذاب را به روشنی ببینند و [تمام] روابط و سببها بریده گردد.

۱۶۷ و پیروان [کفار] گویند: ای کاش ما را [به دنیا] بازگشتی بود تا از آنها بیزاری می‌جستیم، همان طور که آنها از ما بیزاری جستند. بدین‌سان خدا اعمالشان را [به صورت] حسرت‌هایی بر آنها می‌نماید و آنها از آتش بیرون شدنی نیستند.

۱۶۸ ای مردم! از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست.

۱۶۹ او فقط شما را به بدی‌ها و فحشا فرمان می‌دهد و این که آنچه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید.

۱۷۰ و چون به آنها گفته شود: از چیزی که خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه] بلکه از آنچه پدران خویش را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافته بودند [باز پیروی می‌کنند]؟

۱۷۱ و مثل [تو در دعوت] کافران مثل کسی است که بر حیوان زبان بسته‌ای که جز صدا و ندایی نشنود بانگ زند. [اینها نیز چنین‌اند] کرانند و گنگانند و کورانند، پس نمی‌اندیشند.

۱۷۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه که روزیتان کرده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید اگر تنها او را می‌پرستید.

۱۷۳ او تنها [گوشت] مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام ذبحش] نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام کرده است، و هر که [به خوردن آنها] ناچار شد، بی‌آن که قصد نافرمانی یا تجاوز داشته باشد گناهی بر او نیست [که] خدا بخشنده‌ی مهربان است.

۱۷۴ همانا کسانی که کتمان می‌کنند و آن را به بهای ناچیزی می‌فروشند، جز آتش به شکم‌های خود فرو نمی‌برند و خداوند روز قیامت با آنها سخن نگوید و پاکشان نسازد و ایشان را عذابی دردناک است.

۱۷۵ همین کسانی که ضلالت را به بهای هدایت و عذاب را در ازای آمرزش خریدند، پس چه صبورند بر آتش!

۱۷۶ این بدان سبب است که خدا کتاب را به حق فرستاد و آنان که در باره‌ی کتاب به اختلاف پرداختند، بی‌گمان در ستیزه‌ی دوری هستند.

۱۷۷ نیکی [تنها] آن نیست که روی خود را به جانب مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی آن است که انسان به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب [های آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با آن که دوستش دارد به خویشاوندان [نیازمند] و یتیمان و درماندگان و به راه مانده و مستمندان و [برای آزادی] در بند ماندگان ببخشد، و نماز به پا دارد و زکات دهد و آنانند که چون تعهد دهند به عهد خود وفا کنند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ صابر و پایدار باشند. هم اینان راست می‌گویند و هم ایشان پارسایانند.

۱۷۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در باره‌ی کشتگان بر شما قصاص مقرر شد، آزاد در برابر آزاد، بنده در برابر بنده و زن در مقابل زن. پس هر که از سوی برادرش چیزی [از قصاص] برایش بخشوده شد باید [از این گذشت] به شایستگی پیروی کند و [خونبها را] با نیکی ادا کند. این تخفیف و رحمتی از جانب پروردگارتان است، و هر که پس از آن تجاوز کند، او را عذاب سختی خواهد بود.

۱۷۹ ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی است، باشد که پرهیزکار شوید.

۱۸۰ بر شما مقرر شده است که هرگاه مرگ کسی از شما فرا رسد اگر مالی بر جای گذاشت، برای پدر و مادر و نزدیکان، مطابق عرف [مقداری را] وصیت کند که این شایسته پرهیزکاران است.

۱۸۱ پس هر که آن وصیت را بشنود و تغییر دهد، تنها گناهِش بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند همانا خدا شنوا و آگاه است.

۱۸۲ پس هر که از انحراف یا گناه وصیت کننده بی‌بیم داشت، و میانشان سازش داد، گناهی بر او نیست. همانا خدا آمرزنده‌ی مهربان است.

۱۸۳ ای اهل ایمان! روزه بر شما واجب شد چنان که بر امت‌های گذشته واجب شده بود، باشد که پرهیزکار شوید.

۱۸۴ روزهای شمرده شده‌ای را [روزه بدارید] و هر که از شما بیمار یا در سفر باشد، روزهای دیگری [روزه بگیرد]، و بر کسانی که روزه طاقت فرساست در عوض [هر روز] تهیدستی را طعام دهند، و هر که با میل کار خیری کند آن برایش بهتر است، و روزه گرفتن برای شما بهتر است، اگر می‌دانستید.

۱۸۵ ماه رمضان ماهی است که قرآن به عنوان راهنمای مردم و حجت‌های روشنگر و فارق میان حق و باطل در آن نازل شده است پس هر که از شما این ماه را دریافت، روزه بگیرد و هر که بیمار یا در سفر بود، به همان تعداد در روزهای دیگر

[قضا کند]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و سختی نمی‌خواهد و تا [بدین ترتیب] [تعداد] روزها را کامل کنید و خدا را به خاطر این که هدایتان کرده بزرگ دارید، و باشد که سپاسگزاری کنید.

۱۸۶ و چون بندگان من از تو در باره‌ی من بپرسند، همانا من [به آنها] نزدیکم و دعای دعا کننده را وقتی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم، پس آنها نیز دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند، باشد که راه یابند.

۱۸۷ در شب‌های روزه برای شما نزدیکی با همسرانتان حلال شد. آنها برای شما لباسند و شما برای آنها لباسید. خدا می‌داند که شما به خود خیانت می‌کنید، پس از شما درگذشت و شما را بخشید. پس حالا با آنها مباشرت کنید و آنچه را خدا بر شما مقرر کرده است طلب نمایید، و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید [بامداد] از رشته سیاه [شب] نمایان شود، آن‌گاه روزه را تا شب به پایان برید، و در حالی که در مساجد معتکفید با زنان میامیزید. اینها حدود الهی است، پس به [حریم] آنها نزدیک نشوید. بدین‌سان خدا آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد، باشد که تقوا پیش گیرند.

۱۸۸ و اموال یکدیگر را میان خود به باطل مخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، [قضیه] آن را به حاکمان مکشایید در حالی که شما [حقیقت را] می‌دانید.

۱۸۹ از تو در باره‌ی هلال‌ها می‌پرسند، بگو: آن تقویمی برای مردم و موسم حج است، و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که شخص تقوا پیشه کند. و از در خانه‌ها وارد شوید و از خدا بترسید تا شاید رستگار شوید.

۱۹۰ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید ولی تجاوز نکنید همانا خدا تجاوزگران را دوست ندارد.

۱۹۱ و آنها را هر جا یافتید بکشید، و از جایی که شما را بیرون کردند بیرون کنید، و فتنه از قتل بدتر است، و با آنها در کنار مسجد الحرام جنگ نکنید مگر این که آنها به جنگ پیشدستی کنند، پس اگر با شما جنگیدند آنها را بکشید که سزای کافران همین است.

۱۹۲ پس اگر دست برداشتند، البته خدا آمرزنده‌ی مهربان است.

۱۹۳ و با آنها بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین ویژه‌ی خدای یکتا گردد، و اگر دست برداشتند، دشمنی جز بر ضد ستمگران [روا] نیست.

۱۹۴ ماه حرام در برابر ماه حرام است و حرمت [شکنی] ها قصاص دارد. پس هر که به شما تعدی کرد با او مقابله به مثل کنید و از خدا پروا دارید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.

۱۹۵ و در راه خدا انفاق کنید، و خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید، و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.

۱۹۶ و حج و عمره را برای خدا به پایان برید، و اگر محاصره [یا ممنوع] شدید [و اتمام حج ممکن نشد] هر قربانی که میسر است فراهم کنید و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به قربانگاه برسد، پس هر که از شما بیمار است یا رنجی به سر دارد [و به ناچار سر بتراشد] پس به عوض آن روزهای یا صدقه‌ای یا قربانی تقدیم کند، و چون ایمن شدید هر که بعد از فراغ از عمره به حج پرداخت هر چه میسر شود قربانی کند و کسی که [قربانی] نیافت، سه روز در اثنای حج روزه [بدارد] و هفت

روز چون بازگشتید. این ده روز تمام است. این [حکم] برای کسی است که خانواده‌اش مقیم مسجد الحرام نباشند، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا سخت کیفر است.

۱۹۷ حج در ماه‌های معینی است، پس هر که در آن ماه‌ها ملتزم به حج شد، همبستری و نافرمانی و مجادله در اثنای حج ممنوع است، و هر چه نیکی کنید خدا آن را می‌داند، و توشه بگیرید که بهترین توشه تقواست، و ای خردمندان از من پروا کنید.

۱۹۸ مانعی نیست که [در سفر حج] از فضل پروردگار خویش روزی بجوئید، و چون از عرفات کوچ کردید، در مشعر الحرام خدا را یاد کنید و او را یاد کنید همان‌گونه که شما را هدایت کرد، و محققا شما پیش‌تر، از گمراهان بودید. [او چیزی نمی‌دانستید].

۱۹۹ سپس از همان جا که مردم روانه شدند روانه شوید و از خدا آمرزش بطلبید که خدا آمرزنده‌ی مهربان است.

۲۰۰ و چون اعمال خود را به انجام رساندید، خدا را آن‌سان که پدران خود را ذکر می‌کنید یاد کنید بلکه بالاتر از آن. پس بعضی از مردم [دنیا طلب] می‌گویند: پروردگارا! به ما در همین دنیا عطا کن، و او را در آخرت نصیبی نیست.

۲۰۱ و برخی از آنها گویند: پروردگارا! ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و ما را از آتش نگاه دار.

۲۰۲ آنها هستند که از دستاوردشان نصیبی خواهند داشت و خدا در حسابرسی، سریع است.

۲۰۳ و خدا را در روزهای معینی یاد کنید پس هر که شتاب کند [و اعمال را] در دو روز انجام دهد گناهی بر او نیست، و نیز هر که [تا روز سوم] تأخیر کند گناهی بر او نیست، [این] برای کسی است که تقوا پیشه کند. و از خدا پروا کنید و بدانید که بی‌تردید شما به سوی او محشور می‌شوید.

۲۰۴ و از مردم کسی است که گفتار او در باره‌ی زندگی دنیا [و پارسایی] مایه‌ی اعجاب توست و خدا را بدانچه که در دل دارد گواه می‌گیرد، و حال آن که او لجوج‌ترین دشمنان است.

۲۰۵ و چون بازگردد [یا به مقامی رسد] بکوشد تا در زمین فساد کند و کشت و نسل را تباه نماید، و خدا فساد را دوست ندارد.

۲۰۶ و چون به او گفته شود: از خدا پروا کن! نخوت او را به گناه کشاند، پس جهنم او را بس است و چه بد بستری است.

۲۰۷ و از مردم کسی است که در طلب رضای خدا از سر جان می‌گذرد، [چون علی در بستر پیامبر] و خدا به بندگان مهربان است.

۲۰۸ ای کسانی که ایمان دارید! همگی به طاعت خدا درآیید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.

۲۰۹ و اگر پس از روشنگری‌هایی که سوی شما آمد کجروی کنید بدانید که خدا شکست‌ناپذیر و حکیم است.



۲۱۰ آیا منتظرند که [عذاب] خدا در سایه‌هایی از ابر و فرشتگان به سراغ آنها بیاید و کار یکسره شود؟ و همه کارها به خدا باز گردانده می‌شود.

۲۱۱ از بنی اسرائیل بپرس چه بسیار شواهد روشنی برای آنها فرستادیم. و هر که نعمت خدا را بعد از آن که سوی او آمد تغییر دهد [بداند که] بی‌تردید خدا سخت کیفر است.

۲۱۲ زندگی دنیا برای کافران زینت یافته و [لذا] مؤمنان را مسخره می‌کنند، و کسانی که تقوا پیشه کردند، روز رستاخیز فوق آنها هستند و خدا هر که را خواهد بی‌حساب روزی می‌دهد.

۲۱۳ مردم [ابتدا] یک امت بودند، [که به مرور دچار اختلاف شدند] پس خدا پیامبران را [به عنوان] مژده‌رسانان و بیم‌دهندگان فرستاد و همراه آنان کتابی به حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه بر سرش اختلاف داشتند داوری کند، و در دین اختلاف نکردند مگر کسانی که به آنها رسیده بود، آن هم بعد از رسیدن شواهد روشن، به خاطر حسدی که میان آنها بود، پس خدا به خواست خود کسانی را که ایمان آوردند به حقیقت چیزی که مورد اختلاف آنها بود هدایت کرد، و خدا هر که را خواهد به راه راست هدایت می‌کند.

۲۱۴ آیا پنداشته‌اید که داخل بهشت می‌شوید در حالی که هنوز سرگذشت آنها که پیش از شما گذشتند به سراغ شما نیامده است؟ آنها تنگدستی و ناخوشی دیدند و به تزلزل افتادند تا آن جا که پیامبر و مؤمنان همراهش گفتند: یاری خدا کی می‌رسد؟ [مژده آمد]، آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است.

۲۱۵ از تو می‌پرسند چه انفاق کنند؟ بگو: هر مالی که می‌بخشید [بهتر است] به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تنگدستان و به راه مانده انفاق کنید، و هر کار خیری کنید بی‌شک خدا به آن آگاه است.

۲۱۶ جهاد بر شما مقرر شد و آن برای شما ناگوار است، و بسا چیزی را ناخوش داشته باشید که آن به سود شماست و بسا چیزی را دوست داشته باشید که به زیان شماست، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

۲۱۷ از تو در باره‌ی جنگ در ماه حرام می‌پرسند، بگو: جنگ در آن گناه بزرگی است، اما بازداشتن از راه خدا و کافر شدن به او و [بازداشتن از] مسجد الحرام و آواره کردن ساکنانش نزد خدا بسی بزرگ‌تر است، و فتنه [و کفر] از کشتار بدتر است. و آنها پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان بازگردانند و هر که از شما از دین خود برگردد و کافر بمیرد، آنان اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده و آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود.

۲۱۸ البته کسانی که ایمان آوردند و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند آنان به رحمت خدا امیدوارند و خدا آمرزنده‌ی مهربان است.

۲۱۹ از تو در باره‌ی شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در آنها گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، ولی زیان آنها از سودشان بزرگ‌تر است. و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: آنچه افزون بر نیاز است. خدا بدین‌سان آیات خود را برای شما روشن می‌سازد تا بیندیشید،

۲۲۰ در [اسرار] دنیا و آخرت. و از تو در باره‌ی یتیمان می‌پرسند، بگو: اصلاح کارشان نیکوتر است، پس اگر با آنها همزیستی کنید برادران شمايند، و خدا خرابکار را از اصلاحگر باز می‌شناسد، و اگر خدا می‌خواست بر شما سخت می‌گرفت همانا خدا شکست‌ناپذیر حکیم است.

۲۲۱ و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا وقتی که ایمان بیاورند و البته کنیز با ایمان از زن مشرک بهتر است هر چند از بیایی [او شما را مفتون سازد، و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند زن مدهید که تحقیقا برده‌ی با ایمان از مرد مشرک بهتر است هر چند توجه شما را جلب کند. آنها [شما را] به آتش می‌خوانند و خدا به امر خود به بهشت و مغفرت می‌خواند، و آیات خود را برای مردم بیان می‌کند باشد که پند گیرند.

۲۲۲ و از تو در باره‌ی حیض می‌پرسند، بگو: آن رنج و ناراحتی است، پس در ایام حیض از زنان کناره بگیرد و با آنها نزدیکی نکنید تا پاک شوند، و چون پاک شدند، از آن جا که خدا فرمانتان داده به آنها نزدیک شوید که خدا توبه کاران و پاکی طلبان را دوست دارد.

۲۲۳ همسرانتان کشتگاه شمايند، پس هرگاه خواستید، به کشت خود درآیید و برای خویش [خیر] پیش فرستید و از خدا بترسید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد و مؤمنان را بشارت ده.

۲۲۴ و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار ندهید که از نیکی کردن و پرهیزکاری و اصلاح میان مردم باز ایستید، و خدا شنوای داناست.

۲۲۵ خدا شما را به سوگندهای بیهوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند، ولی به آنچه دل‌هایتان [از روی عمد] کسب کرد شما را مؤاخذه می‌کند، و خدا آمرزنده‌ی بردبار است.

۲۲۶ برای آنها که سوگند می‌خورند که با زنان خود آمیزش نکنند، چهار ماه فرصت است، پس اگر بازگشتند خدا آمرزنده‌ی مهربان است.

۲۲۷ و اگر عزم طلاق کردند خدا شنوای آگاه است.

۲۲۸ و زنان طلاق داده شده تا سه پاکی منتظر بمانند، و اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارند حلال نیست آنچه را که خدا در رحم‌هایشان آفریده پنهان دارند، و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند به بازگرداندنشان در این [مدت] سزاوارترند، و برای این زنان به طور شایسته [حقوقی] است مانند آنچه [از تکالیف] بر عهده‌ی آنهاست و مردان را بر آنها مرتبتي هست، و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است.

۲۲۹ طلاق [رجعی] دو بار است، پس از آن به نیکی نگاه داشتن یا به نیکی رها ساختن است، و شما را حلال نیست که از آنچه به ایشان داده‌اید چیزی باز ستانید مگر آن که بترسند که حدود الهی را [در کنار هم] رعایت نکنند، پس اگر [شما اولیا] ترسیدید که آن دو، حدود الهی را مراعات نکنند گناهی بر آنان نیست که آن زن، خود را باز خرید کند. اینها مقررات الهی است، از حدود آن تجاوز نکنید. و کسانی که از حدود الهی تجاوز کنند، آنها حقا ستمکارند.

۲۳۰ پس اگر [بار سوم] زن را طلاق داد، دیگر بر او حلال نیست تا زمانی که زن با مردی غیر او ازدواج کند، پس اگر [شوهر دوم] طلاقش داد و دانستند که مقررات الهی را به پا خواهند داشت مانعی بر آنها نیست که به یکدیگر رجوع کنند، و اینها احکام الهی است که خدا برای مردم دانا بیان می‌دارد.

۲۳۱ و چون زنان را طلاق دادید و به پایان عده‌ی خود رسیدند یا به شایستگی نگاهشان دارید، یا به شایستگی رهانشان سازید، و به قصد آسیب رساندن نگاهشان مدارید تا ستم کنید. و هر که چنین کند، پس به خود ستم کرده است، و آیات الهی را به مسخره نگیرید، و نعمت خدا و این کتاب و حکمت را که بر شما نازل کرده و به آن پندتان می‌دهد فراموش نکنید و از خدا بترسید و بدانید که خدا به همه چیز داناست.

۲۳۲ و چون زنان را طلاق دادید و عده‌ی آنان سر آمد، آنان را از ازدواج با شوهران سابق خود در صورتی که میان آنها به خوبی توافق حاصل شده باشد جلوگیری نکنید. هر که از شما به خدا و روز واپسین ایمان دارد با این دستور پند داده می‌شود. این برای شما پربارتر و پاکیزه‌تر است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

۲۳۳ مادرها فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این] برای کسی است که بخواهد دوره‌ی شیر دادن را کامل کند، و خوراک و پوشاک آنها به طور شایسته بر عهده‌ی پدر فرزند است. هیچ کس جز به قدر توانش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به خاطر [اختلافات خود] به کودکش آسیب رساند و نه [پدری] که صاحب فرزند است. و وارث نیز همین حکم را بر عهده دارد. و اگر پدر و مادر به رضایت و مشورت یکدیگر بخواهند [کودک را قبل از موعد] از شیر باز گیرند گناهی بر آنها نیست. و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید بر شما گناهی نیست به شرط آن که مزدی را که در نظر دارید به درستی بپردازید، و از خدا پروا دارید و بدانید که خدا به آنچه می‌کنید بیناست.

۲۳۴ و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی به جا می‌گذارند [آنها] باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارند، و چون عده‌ی آنها سر آمد، در آنچه به شایستگی در باره‌ی خود انجام دهند گناهی بر شما نیست، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است

۲۳۵ و گناهی بر شما نیست که به کنایه و سر بسته از [این] زنان خواستگاری کنید یا [ازدواج با آنها را] در دل نهان دارید. خدا آگاه است، که شما آنها را یاد خواهید نمود، ولی با آنها قرار پنهانی مگذارید، مگر سخنی شایسته [او کنایی] بگویید. و تا عده‌شان سر نیامده با آنها عقد ازدواج نبندید، و بدانید که خدا آنچه در دل‌های شماست می‌داند، پس از او پروا دارید و بدانید که خدا آمرزنده‌ی بردبار است.

۲۳۶ اگر زنان را قبل از نزدیکی و قبل از تعیین مهر طلاق دادید گناهی بر شما نیست ولی هدیه شایسته‌ای تقدیمشان کنید، توانگر به قدر توان خویش و تنگدست به قدر توان خویش، و این وظیفه‌ای بر نیکوکاران است.

۲۳۷ و اگر زنان را پیش از نزدیکی طلاق دادید و مهری برای آنان تعیین کرده باشید، نصف آنچه مقرر داشته‌اید بر عهده‌ی شماست، مگر این که آنان خود ببخشند یا کسی که امر ازدواج به دست اوست ببخشد. و گذشت شما به تقوا نزدیک‌تر است، و بزرگواری را در میان خودتان فراموش نکنید که خداوند به آنچه می‌کنید بیناست.

۲۳۸ بر نمازها به ویژه نماز میانه [ظهر] پایبند باشید و مطیعانه برای خدا به پا خیزید.

۲۳۹ پس اگر [از دشمن] بیم داشتید، پیاده یا سواره نماز کنید، و چون ایمن شدید خدا را یاد کنید همان طور که به شما چیزهایی آموخت که نمی دانستید.

۲۴۰ و کسانی از شما که در آستانه مرگ قرار می گیرند و همسرانی به جا می گذارند، باید در باره ی آنها وصیت کنند که تا یک سال مخارج آنها داده شود و از خانه بیرونشان نکنند، ولی اگر آنها خود خارج شوند، در باره ی تصمیم مناسبی که برای خود می گیرند گناهی بر شما نیست، و خدا شکست ناپذیر حکیم است.

۲۴۱ و برای زنان طلاق داده شده هدیه مناسبی بر عهده ی پرهیزکاران است.

۲۴۲ بدین سان خدا آیات خود را برای شما بیان می کند تا بیندیشید.

۲۴۳ آیا کسانی را که هزاران تن بودند ندیدی آن گاه که از بیم مرگ [و فرار از جهاد] از دیار خود بیرون شدند، پس خدا به آنها گفت: بمیرید [و آنها مردند] سپس زنده شان کرد؟ به راستی خدا نسبت به مردم، صاحب کرم است ولی بیشتر مردم سپاس نمی گزارند.

۲۴۴ و در راه خدا جهاد کنید و بدانید که خدا شنوای داناست.

۲۴۵ کیست که به خدا وام نیکو دهد تا چندین برابرش افزون کند؟ خداست که تنگدستی دهد و توانگری بخشد، و به سوی او بازگردانده می شوید.

۲۴۶ آیا آن سران بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی آن گاه که به پیامبر خویش گفتند: برای ما امیری بگمار تا در راه خدا جهاد کنیم؟ گفت: آیا احتمال نمی دهید که اگر جهاد بر شما مقرر شد جهاد نکنید؟ گفتند: چرا در راه خدا جنگ نکنیم در حالی که از دیارمان رانده شده و از فرزندان خود جدا افتاده ایم. اما هنگامی که به جهاد دستور یافتند، جز اندکی از ایشان همه روی گردان شدند و خدا به ستمگران آگاه است.

۲۴۷ و پیامبرشان به آنها گفت: همانا خدا طالوت را به امیری شما برگماشت. گفتند: از کجا او بر ما حکومت داشته باشد، حال آن که ما برای این امر شایسته تریم و او از مال دنیا چیزی ندارد؟ گفت: خدا وی را بر شما برگزیده و او را در دانش و جسم فزونی داده است، و خدا فرمانروایی خویش را به هر که خواهد می دهد که خدا وسعت بخش داناست.

۲۴۸ پیامبرشان به آنها گفت: نشانه امیری او این است که آن صندوق [عهد] سوی شما می آید که در آن تسکین خاطری از جانب پروردگارتان نهفته، و یادگاری از میراث خاندان موسی و هارون در آن است که فرشتگان، آن را حمل می کنند. مسلما اگر مؤمن باشید، در این [رویداد] برای شما نشانه ای است.

۲۴۹ پس همین که طالوت با سپاهیان به راه افتاد گفت: خدا شما را به نهر آبی امتحان می کند، پس هر که از آن بنوشد از من نیست و هر که از آن نخورد از من است، مگر کسی که به اندازه ی کف دستی بیاشامد. ولی همه از آن نوشیدند جز شمار اندکی از ایشان. و زمانی که او و مؤمنان همراهش از نهر گذشتند، [نافرمانان] گفتند: امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و

سپاه او نیست اما آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد گفتند: چه بسا گروهی اندک به خواست خدا بر گروهی بسیار غلبه یافته و خدا با صابران است.

۲۵۰ و چون با جالوت و سپاه او رو در رو شدند گفتند: پروردگارا! بر ما شکیبایی ببار، و قدم‌هایمان را استوار ساز، و بر قوم کافر پیروزمان گردان.

۲۵۱ پس به اذن خدا آنها را شکست دادند و داود جالوت را بکشت و خداوند او را پادشاهی و حکمت داد و از آنچه می‌خواست به وی آموخت. و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر نمی‌راند، حتما زمین تباه می‌شد ولی خدا به جهانیان نظر کرم دارد.

۲۵۲ اینها آیات خداست که به درستی آنها را بر تو می‌خوانیم، و بی‌شک تو از پیامبرانی.

۲۵۳ این پیامبران، پاره‌ای از ایشان را بر پاره‌ای برتری دادیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و بعضی را درجاتی [بلند] ارزانی داشت و به عیسی بن مریم حجت‌ها دادیم و او را به روح القدس تقویت کردیم، و اگر خدا می‌خواست کسانی که بعد از این پیامبران بودند با وجود حجت‌ها که برایشان آمده بود جنگ و ستیز نمی‌کردند، ولی آنها اختلاف پیشه کردند، پس برخی از آنها ایمان آوردند و برخی کافر شدند، و اگر خدا می‌خواست جنگ و ستیز نمی‌کردند، و لیکن خدا آنچه اراده کند انجام می‌دهد [تا آنها در انتخاب راه آزاد باشند].

۲۵۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی هست و نه دوستی و شفاعتی، از آنچه روزیتان کرده‌ایم انفاق کنید و [بدانید که] کافران، ستمگراند.

۲۵۵ خدا یکتاست و جز او معبودی نیست. زنده و پاینده است. نه چرت می‌گیردش نه خواب. هر چه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست. کیست که در پیشگاه او جز به اذن او شفاعت کند؟ گذشته و آینده‌ی آنها [شفیع و مشفوع] را می‌داند، و به چیزی از علم او راه نمی‌یابند مگر به آنچه خود بخواهد. قلمرو علم و قدرتش آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته است و نگاهداشت آنها بر او دشوار نیست، و او والای بزرگ است.

۲۵۶ در دین اکراهی نیست چرا که راه از بیراهه آشکار شده است. پس هر که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، یقیناً به محکم‌ترین دستاویز دست آویخته است که هرگز نخواهد گسست، و خداوند شنوای داناست.

۲۵۷ خدا سرپرست مؤمنان است و آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌آورد، و کسانی که کافر شدند سرپرستانشان طغیانگراند که از نور به تاریکی‌هایشان می‌برند. آنها دوزخی‌اند و در آن جاودانند.

۲۵۸ آیا ندیدی آن کس را که چون خدا به او ملک و مکنت بخشیده بود با ابراهیم در باره‌ی پروردگارش مجادله می‌کرد؟ آن‌گاه که ابراهیم گفت: پروردگار من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. او گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرق بر می‌آورد، تو آنرا از مغرب برآور. در نتیجه آن کفر پیشه [سرگشته و] مبهوت ماند، و خداوند ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

۲۵۹ یا همچون [داستان] کسی که بر شهری گذشت که بر سقف‌هایش فرو ریخته بود. [در دل] گفت: خدا چگونه اهل این دیار را پس از مرگشان زنده می‌کند؟ پس خدا او را صد سال بمیراند، سپس زنده کرد و گفت: چه مدت [در این حال] بوده‌ای؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز بوده‌ام. فرمود: [نه] بلکه صد سال [در این حال] بوده‌ای، پس به خوراکی و نوشیدنی خود بنگر که تغییر نیافته، و به درازگوش خویش نگاه کن [که چگونه متلاشی شده] و [بدین‌سان] تو را برای مردم نشانه [معاد] قرار دهیم، و به این استخوان‌ها بنگر که چگونه آنها را پیوند می‌دهیم سپس بر آنها گوشت می‌پوشانیم. پس همین که [حقیقت] بر او آشکار شد، گفت: [اکنون] می‌دانم که خداوند بر همه چیز تواناست.

۲۶۰ و آن‌گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من بنما که مردگان را چگونه زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر باور نداری؟ گفت: چرا، ولی از آن جهت که دلم مطمئن شود. فرمود: چهار پرنده بگیر [و بکش] و پاره پاره کن [و در هم بیامیز]، سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را بگذار، آنگاه آنها را فراخوان تا شتابان سوی تو آیند، و بدان که خدا شکست ناپذیر حکیم است.

۲۶۱ داستان کسانی که مالشان را در راه خدا می‌بخشند چون داستان دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه [باشد]، و خدا برای هر کس بخواهد [پاداشی] چند برابر می‌دهد و خدا وسعت بخش داناست.

۲۶۲ کسانی که مالشان را در راه خدا می‌بخشند و به دنبال بخشش خود منت و آزاری نمی‌آورند، اجرشان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و نه بیمی بر آنهاست و نه اندوهگین شوند.

۲۶۳ سخن خوش [با نیازمندان] و گذشت، از صدقه‌ای که آزاری در پی دارد بهتر است، و خدا بی‌نیاز و بردبار است.

۲۶۴ ای مؤمنان! صدقات خود را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که برای ریا و نمایاندن به مردم مالش را انفاق می‌کند و به خدا و رستاخیز ایمان ندارد. پس حکایت آن چون تخته سنگی است که بر آن خاکی باشد و رگباری بر آن بیارد و خاک آن را بشوید. آنان به چیزی از آنچه حاصل نموده‌اند دست نیابند، و خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

۲۶۵ و حکایت کسانی که مالشان را در راه خشنودی خدا و برای تحکیم ایمان خویش انفاق می‌کنند همچون بوستانی بر تپه‌ای است که رگباری بر آن ببارد و میوه‌هایش را دو چندان بار آورد، و اگر رگباری هم به آن نرسد باران سبک آن را بس است. و خدا به آنچه می‌کنید بیناست.

۲۶۶ آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد، که نهرها از پای درختانش جاری است و هر گونه میوه‌ای برایش به بار آورد و پیریش فرا رسیده و فرزندان خرد و ناتوان داشته باشد، ناگاه گرد بادی آتشین بر آن بزند و [باغ یکسر] بسوزد؟ خدا بدین گونه آیتش را برای شما بیان می‌کند تا بیندیشید.

۲۶۷ ای مؤمنان! از بهترین آنچه به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برایتان برآورده‌ایم انفاق کنید، و [چیزهای] پست را که خودتان جز با چشم‌پوشی نمی‌پذیرید برای انفاق منظور نکنید و بدانید که خدا بی‌نیاز ستوده است.

۲۶۸ شیطان شما را از تهیدستی می‌ترساند و به [تنگ نظری و] زشتی وا می‌دارد، و خدا به شما آمرزش و بخشش خود را وعده می‌دهد و او وسعت بخش داناست.

۲۶۹ حکمت را به هر کس که بخواهد می‌بخشد، و هر که را حکمت داده شود یقیناً خیر بسیاری داده شده است و جز خردمندان پند نگیرند.

۲۷۰ و هر چه انفاق کردید یا هر نذری را ملتزم شدید قطعاً خدا آن را می‌داند و ستمکاران را هیچ یآوری نیست.

۲۷۱ اگر صدقه‌ها را آشکار کنید این کار خوبی است و اگر پنهانش بدارید و به تهیدستان [آبرومند] بدهید این برای شما بهتر است و بخشی از گناهان شما را می‌زداید و خدا از آنچه می‌کنید آگاه است.

۲۷۲ هدایت [حتمی] آنان بر عهده‌ی تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند. و هر مالی که انفاق کنید به سود خود شماست، و جز برای طلب رضای خدا انفاق نکنید. و هر مالی که انفاق کنید [پاداش آن] به تمامی به شما داده خواهد شد و بر شما ستمی نخواهد رفت.

۲۷۳ [این صدقات] از آن تهیدستانی است که در راه خدا از کار مانده‌اند و نمی‌توانند در زمین [برای معاش] سفر کنند و به خاطر مناعتی که دارند، ناآگاه آنها را توانگر می‌پندارد. آنان را به سیمایشان می‌شناسی. از مردم به اصرار چیزی نمی‌خواهند. و هر مالی [به آنان] انفاق کنید بی‌گمان خداوند از آن آگاه است.

۲۷۴ کسانی که مالشان را شب و روز، [او] نهران و آشکار، انفاق می‌کنند پاداش آنها نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنهاست و نه محزون شوند.

۲۷۵ آنان که ربا می‌خورند، برنخیزند مگر مانند کسی که شیطان به جنون آشفته‌اش کرده است. این از آن روست که گفتند: داد و ستد صرفاً مانند ریاست در صورتی که خدا معامله را حلال و ربا را حرام کرده است. پس اینک کسی که از پروردگارش پندی بدو رسد و باز ایستد، آنچه گذشته از آن اوست و کارش با خداست، و هر که به [ربا خواری] باز گردد، پس آنان دوزخیانند و در آن ماندگارند.

۲۷۶ خدا ربا را تبه و صدقات را افزون می‌کند و او هیچ کفران پیشه گناهکاری را دوست نمی‌دارد.

۲۷۷ همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز به پا داشته و زکات دادند، پاداش آنها نزد پروردگارشان است و نه بیمی بر آنهاست و نه غمگین شوند.

۲۷۸ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر [واقعاً] مؤمنید از خدا بترسید و باقی مانده‌ی ربا را واگذارید.

۲۷۹ و اگر [این کار را] نکنید، پس به جنگی از جانب خدا و رسولش آگاه باشید، و اگر توبه کردید اصل مال از آن شماست [که بدین ترتیب] نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

۲۸۰ و اگر [بدهکار]، تنگدست بود پس مهلتی باید تا گشایشی یابد، و اینکه صدقه بدهید برایتان بهتر است اگر می‌دانستید.

۲۸۱ و از روزی بترسید که در آن به سوی خدا بازگردانده می‌شوید، سپس به هر کس [پاداش] آنچه کرده است به تمامی داده می‌شود و بر آنان ستم نمی‌رود.

۲۸۲ ای مؤمنان! هنگامی که [خواستید] به قرض و نسیه معامله کنید، آن را تا سر رسیدی معین بنویسید و نویسنده‌ای میان شما [سند معامله را] به درستی بنویسد، و نویسنده از نوشتن آن - چنان که خدایش آموخته - دریغ نکند، پس باید بنویسد و بدهکار املا کند و از خدا، پروردگار خویش بترسد و چیزی از آن نکاهد. و اگر بدهکار، کم خرد یا ناتوان باشد یا املا نتواند، سرپرست وی باید عادلانه املا کند. و دو شاهد از مردانتان به گواهی بگیرید، و اگر دو مرد نباشند یک مرد و دو زن از گواهانی که رضایت می‌دهید [انتخاب کنید] تا اگر یکیشان از یاد برد دیگری یادآوری کند. و گواهان وقتی [برای ادای شهادت] خوانده می‌شوند دریغ نکنند. و از نوشتن [بدهی] تا سر رسید آن - کوچک باشد یا بزرگ - ملول نشوید که این در پیشگاه خداوند منصفانه‌تر و برای گواهی دادن استوارتر و برای تردید نکردن مناسب‌تر است، مگر آن که معامله‌ای نقدی باشد که میان خود انجام می‌دهید، در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و چون داد و ستد کنید بر آن گواه بگیرید. و نباید به نویسنده و گواه زبانی برسد، و اگر چنین کنید از فرمان خدا خارج شده‌اید، و از خدا بترسید، و خداوند [بدین گونه] به شما تعلیم می‌دهد، و خداوند به هر چیزی داناست.

۲۸۳ و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید گرویی بستانید و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، آن که امین شمرده شده، امانت او را باز پس دهد و باید از خداوند، پروردگارش بترسد. و شهادت را کتمان نکنید، و هر که آن را کتمان کند همانا دلش گناهکار است، و خدا به آنچه می‌کنید داناست.

۲۸۴ آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداوند است. و اگر آنچه در دل دارید عیان کنید یا نهان دارید، خداوند شما را بدان محاسبه می‌کند، پس هر که را خواهد می‌آمزد و هر که را خواهد عذاب می‌کند، و خدا بر هر کاری تواناست.

۲۸۵ این پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده ایمان دارد و مؤمنان [نیز]، همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبران او ایمان دارند [و گویند]: میان هیچ یک از پیامبران او فرق ننهیم، و گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم. بار الهها! آمرزش تو را خواهیم و باز گشت به سوی توست.

۲۸۶ خدا هیچ کس را جز به اندازه‌ی توانش تکلیف نمی‌کند. هر چه نیکی کرده به سود او و هر چه بدی کرده و بال اوست. پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر. بار الهها! و تکلیف سخت بر ما بار مکن، چنان که بر پیشینیان ما بار کردی. بار الهها! و آنچه تاب آنرا نداریم بر دوش ما مگذار، و از ما در گذر، و ما را بیامرز، و بر ما رحم کن که مولای ما تویی، پس ما را بر پروه کافران پیروزی ده.